

معنای عبارت «تصریف الرّیاح» در قرآن

^۱ محمد کاظم رحمان ستایش

^۲ محمود قاسمزاده خشکرودی

چکیده

عبارة «تصریف الرّیاح» دو بار در قرآن کریم به کار رفته و از جمله‌ی آیات بر شمرده شده است. مفسران پیرامون معنای آن اقوال مختلفی را ذکر کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را در سه دسته‌ی کلی بادهای چهارگانه، اثرات باد در طبیعت و جریان گردشی بادها تقسیم‌بندی کرد. به نظر می‌رسد نمی‌توان «تصریف الرّیاح» را تنها مربوط به یکی از این دسته‌ها دانست و باید معنای وسیع‌تری برای آن در نظر گرفت. با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی «تصریف»، «ریاح» و آیه، دانسته می‌شود که منظور از «تصریف الرّیاح» می‌تواند انواع تغییراتی باشد که بادها در ایجاد آن‌ها نقش داشته یا خود متحمل می‌شوند. همچنین وجه این‌که «تصریف الرّیاح» از جمله‌ی آیات بر شمرده شده آن بوده که هر یک از این تغییرات دلالت و اشاره‌ای بر یکی از صفات الهی دارد.

کلید واژه‌ها: تصریف الرّیاح، بادهای چهارگانه، آیه ۱۶۴ بقره، آیه ۵ جانیه.

kr.setayesh@gmail.com

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم؛

mahmoudghkh@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)؛

۱- طرح مسئله

خدای سبحان در دو آیه‌ی ۱۶۴ سوره‌ی بقره و ۵ سوره‌ی جاثیه مواردی را ذکر فرموده و از آن‌ها با تعبیر «آیات» یاد می‌کند. یکی از این موارد «تصریف الْرِّیاح» است؛ پرسش پیش‌رو آن است که وجه آیه بودن «تصریف الْرِّیاح» چیست و این تعبیر به چه پدیده (یا پدیده‌هایی) در جهان پیرامونی اشاره دارد؟ به نظر می‌رسد شناخت معنای واژگان «ریاح»، «تصریف»، «آیه» و این‌که اساساً چه مواردی از آن‌ها قابلیت و استعداد آیه بودن را دارند، روشن‌گر پرسش تحقیق باشد.

در این راستا، پرسش‌های ذیل مطرح می‌شود:

۱. مفهوم واژگان «تصریف»، «ریاح» و «آیه» چیست؟

۲. دیدگاه‌های ذکر شده برای هر یک از معانی و مصادیق «تصریف الْرِّیاح» مستند به چه شواهدی است؟

۳. نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌های ذکر شده چیست؟

۲- دیدگاه‌های مفسران در مورد عبارت «تصریف الْرِّیاح»^۱

برخی «تصریف الْرِّیاح» را ناظر به نمونه‌ای از اعجاز علمی برشمرده‌اند و احتمالاً وجه آیه‌بودن را اشاره‌ی آیه به آن یافته‌ی علم تجربی می‌دانند (نک: بازرگان، ۳۳۶؛ برatis و قطب شریف، ۱۷۴ و ۱۷۵). برخی دیگر در تفسیر این عبارت به سراغ بیان انواع مختلف باد و نقش‌های گوناگون آن رفته و به نظر می‌رسد صرف تغییر و تحول باد و عدم توانایی دیگران در این تغییر و تحول را آیه‌ای برای خداوند متعال منظور داشته‌اند (نک: الطوسی، ۵۵/۲؛ الفخر الرازی، ۱۷۱/۴ و ۱۷۲؛ الماوردي، ۲۱۷/۱ و ۲۱۸ و ۲۷۳/۲؛ ابوالفتوح رازی، ۲۷۴؛ رشیدرضا، ۶۲/۲ و ۶۳؛ الطباطبائی، ۴۰۴/۱ و ۴۰۵؛ فضل الله، ۱۴۶/۳).

۱. کاربرد واژه‌ی «مفسر» در این تحقیق با تسامح همراه است، چرا که آراء لغویون و تکنگاری‌های مربوطه نیز محل رجوع بوده‌اند.

هم‌چنین از منظری دیگر به آراء مفسّرین، می‌توان گفت که گروهی معنای «تصریف الْرَّیاح» را ناظر به نقش فاعلی باد در پدیده‌های دیگر مثل باران، درختان، حرکت ابرها و... برشمرده‌اند که موجب اثراتی در آن‌ها می‌شود (نک: القرطبي، ۱۹۷/۲؛ الصادقى، ۴۴۲/۲۶؛ الخطيب، ۲۲۲/۱۳) و گروهی دیگر به نقش مفعولی باد اشاره داشته و غالباً احوال و انواعی که باد برخوردار می‌شود را ذکر نموده‌اند (نک: الطبرى، ۳۹/۲؛ الفخرالرازى، ۱۷۲/۴). دسته‌ی سومی نیز وجود دارند که هر دو نقش فاعلی و مفعولی بادها را منظور کرده‌اند (نک: أبوحیان، ۸۲/۲؛ السمین، ۴۲۴/۱؛ طنطاوى، ۳۳۴/۱؛ طالقانى، ۳۳/۲).

۳- نقد و بررسی دیدگاه‌های مفسّران

قبل از بررسی دیدگاه‌های مفسران، در گام نخست به توضیحی در خصوص مفردات اصلی بحث مبادرت می‌شود.

۱-۳. مفهوم شناسی واژگان

۱-۱. مفهوم ریاح

ریاح در لغت و اصطلاح قرآنی در چند معنا نزدیک بهم به کار رفته است.

الف - در لغت

ریاح یکی از جمع‌های واژه‌ی «ریح» (الفراهیدی، ۲۹۲/۳؛ ابن درید، ۵۲۶/۱؛ الازهري، ۱۳۹/۵؛ ابن الأئثير، ۲۷۲/۲) و به معنای جریان مادی (محسوس یا غیرمحسوس) (مصطفوی، ۲۸۰/۴)، هوای متحرک (الراغب الاصفهانی، ۳۷۰)، نسیم هوا (ابن سیده، ۵۰۷/۳) و هوای مسخر بین زمین و آسمان (الفيومي، ۲۴۴؛ الطریحی، ۳۶۲/۲) است. ریشه‌ی «راء، واو، حاء» مشخصه‌هایی هم‌چون وسعت، سرعت، آسایش و راحتی را اشاره می‌کند، چنان‌که ابن‌فارس می‌نویسد «الراء و الواو و الحاء أصلٌ كبيرٌ مطردٌ، يدلُّ على سُعَةٍ و فُسْحةٍ و اطْرَادٍ» (ابن‌فارس، ۴۵۵/۲).

ب - در قرآن

«ریاح» ۱۰ بار در قرآن، همراه واژگان «بشر» (نک: اعراف، ۵۷)، «مبشرات» (نک: روم، ۴۶)، «لواح» (الحجر، ۲۲) و... ذکر شده است (روحانی، ۸۱۷/۲). گفته می‌شود که ریح و ریاح معنای متفاوتی دارند (ابن عطیة، ۲۳۳/۱)؛ برخی می‌گویند واژه‌ی ریح، اشاره به جنس دارد و ریاح، اشاره به اختلاف جهت بادها (قرطبی، ۱۹۷/۲)؛ برخی واژه‌ی ریاح را در بیان رحمت اولی دانسته (نک: الفخر الرازی، ۱۷۳/۴)؛ و عده‌ای از مفسرین و اهل لغت نیز می‌گویند ریح در قرآن، غالباً برای بیان عذاب است و ریاح برای بیان رحمت (نک: الراغب الاصفهانی، ۳۷۰؛ ابن عطیة، ۲۳۳/۱؛ الفخر الرازی، ۱۷۳/۴؛ ابن الأثیر، ۲۷۲/۲؛ القرطبی، ۱۹۷/۲؛ ابوحیان، ۸۱/۲؛ الزبیدی، ۶۰/۴؛ الصادقی، ۲۶۲/۲).

اما به نظر می‌رسد تفاوتی که برای معنای اصطلاحی دو واژه‌ی «ریح» و «ریاح» ذکر می‌شود، در فهم عبارت «تصریف الریاح» راه‌گشا نیست. البته در آیاتی که صفتی برای باد ذکر شده و سیاق کلام، نشان‌دهنده‌ی نوع مقام است (عذاب یا رحمت و نعمت)، این تفاوت (میان ریح و ریاح) مشهود است اما در عبارت محل بحث، وجه تمایز گفته شده کارساز نمی‌نماید چرا که «تصریف الریاح» را آیه «آیه» برشمرده و ترجیح آن به عذاب یا رحمت، قرینه‌ی روشنی می‌خواهد که ارائه نشده است. بنابراین بهتر است که به حکمی کلی ملتزم نشده و همواره ریاح را ناظر به رحمت و نعمت ندانیم، خصوصاً در این دو آیه‌ی مورد بحث، مناسب‌تر آن است که انواع باد، اعم از باد رحمت و عذاب، باد گرم و سرد و... را لحاظ کنیم چنان‌که برخی چنین عمل کرده‌اند (نک: الزمخشري، ۲۱۰/۱ و ۲۱۱؛ الفراء البغوی، ۱۹۶/۱؛ الفخر الرازی، ۲۷۰/۶۷۰؛ البيضاوی، ۱۱۷/۱ و ۱۰۵/۵؛ القرطبی، ۱۹۷/۲؛ ابوحیان، ۸۱/۲؛ کاشانی، ۳۵۵/۱؛ الحویزی، ۲/۵؛ شبّر، ۱۷۰/۱ و ۴۵۰/۵؛ الشوکانی، ۱۸۹/۱؛ رسیدرضا، ۶۲/۲ و ۶۳؛ فضل الله، ۱۴۶/۳ و ۳۰۱/۲۰ و ۳۰۴).

۱-۳. مفهوم تصریف

الف - در لغت

تصریف از ریشه «صاد، راء، فاء» به معنای تغییر حالت و جهت، منصرف کردن از چیزی

و رجوع و بازگشت است. نوشته‌اند «أنَّ الأَصْلُ الْوَاحِدُ فِي هَذِهِ الْمَادَةِ: هُوَ رَدْ شَيْءٍ مِّنْ جِهَةِ إِلَى جِهَةِ أُخْرَى أَوْ تَحْوِيلِهِ إِلَى حَالَةِ أُخْرَى» (مصطفوی، ۲۸۲/۶)، «الصَّرْفُ: رُدُّ الشَّيْءِ عَنْ وَجْهِهِ، صَرَفَهُ يَصْرِفُهُ صَرْفًا فَانْصَرَفَ» (ابن سیده، ۳۰۱/۸)، «صَرَفْتُ الْقَوْمَ صَرْفًا وَانْصَرَفُوا، إِذَا رَجَعْتُهُمْ فَرَجَعُوا» (ابن فارس، ۳۴۲/۳ و ۳۴۳). از ویژگی‌های باب تفعیل، معنای کثرت است (نک: الفیومی، ۳۲۸؛ الشرتونی، ۳۳) و به این خاطر، «تصریف» می‌تواند کثرت و قوع فعل را بیان کند؛ سیوطی می‌نویسد «التصریف لغة: التقليب من حالة إلى حالة، وهو مصدر صرف، أي: جعله يتقلب في أنحاء كثيرة وجهات مختلفة» (السیوطی، همع الهوامع، ۲۹۸/۳).

ب - در قرآن

فعل «صَرَفَ» و مشتقات آن ۸ بار در قرآن همراه واژه‌های «آیات» (نک: احقاف، ۲۷)، «وَعِيد» (نک: طه، ۱۱۳)، «مِثْل» (نک: اسراء، ۸۹)، «الـریاح» (نک: البقره، ۱۶۴ و الجاثیه، ۵) و ... بکار رفته است (نک: روحانی، ۹۲۴/۳ و ۵۳۹/۲)؛ نوشته‌اند «قال الزَّجَاجُ: تَصْرِيفُ الْآيَاتِ تَبَيَّنُهَا. وَلَقَدْ صَرَفْنَا الْآيَاتِ: يَبَيَّنُهَا» (الازھری، ۱۱۴/۱۲)، «أَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ» (الأنعام، ۴۶)، وَلَقَدْ صَرَفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَكَّرُوا (الإسراء، ۴۱)، أي: جعلناه على أنحاء وجهات متعددة» (السیوطی، همع الهوامع، ۲۹۸/۳). دیده می‌شود ذیل «تصریف الـریاح» برای معنای تصریف، از واژه‌های «تقلیب» (نک: الطبرانی، ۲۷۷/۱ و ۴۹۸/۵؛ التعلبی، ۳۲/۲؛ واحدی، ۱۴۲/۱؛ الطبرسی، ۴۴۹/۱؛ ابن الجوزی، ۱۲۹/۱؛ نظام نیشابوری، ۴۵۹/۱؛ الألوسی، ۴۳۱/۱؛ مغنية، التفسیرالکاشف، ۱۹۱۷/۷)، «ارسال» (نک: الطبری، ۲۹/۲ و ۸۴/۲۵؛ ابن عطیة، ۲۲۳/۱)، «ارسال و تقلیب» (نک: الشیبانی، ۲۳۱/۱)، «تقلیب و تحويل» (نک: الزحلی، ۵۸/۲ و ۲۵۰/۲۵)، «گردانیدن» (نک: المبیدی، ۴۳۷/۱) و ... استفاده شده است. به عنوان نمونه نوشته‌اند «وَتَصْرِيفُ الـریاح: تَصْرُفُهَا مِنْ وَجْهِ إِلَى وَجْهٍ، وَ حَالٌ إِلَى حَالٍ، وَ كَذَلِكَ تَصْرِيفُ الْخَيْولِ وَ السَّيْوَلِ وَ الْأَمْوَرِ» (الفراہیدی، ۱۰۹/۷؛ نیز نک: الازھری، ۱۱۴/۱۲؛ الراغب الاصفهانی، ۴۸۲) و «تَصْرِيفُ الـریاح: جَعَلَهَا جَنُوبًا وَ شَمَالًا وَ صَبَأً وَ دُبُورًا، فَجَعَلَهَا ضُرُوبًا فِي أَجْنَاسِهَا» (الزبیدی، ۳۲۲/۱۲).

همان‌گونه که می‌بینم، وجه اصلی تفاوت اقوال در بیان معنای «تصریف الْرَّیاض»، این است که برخی «معنای مفهومی» و برخی «معنای مصدقی» را ذکر کرده‌اند.^۱ بنابراین، می‌توان گفت اتفاق نظری وجود دارد مبنی بر این‌که این عبارت، پیرامون بروز تغییر در باد می‌باشد (معنای مفهومی) اما این‌که کدام تغییر محل نظر است (معنای مصدقی)، شاید محل مناقشه باشد. چرا که بادها از جهات مختلفی قابل تقسیم و دسته‌بندی هستند. از این‌رو لازم است در ادامه به انواع تغییراتی که در مورد بادها وجود دارد اشاره شود تا محدوده‌ی «تصریف الْرَّیاض» شناخته شود؛ هرچند این تغییرات در طول تاریخ از نگاه بشر، تعداد و انواع مختلفی را داشته است و همواره موارد ثابتی را در بر نگرفته است.

۳-۱-۳. مفهوم «آیه»

آیه از ریشه‌ی «أُوی» و دارای معانی مختلفی از جمله علامت، شاخصه، بنای مرتفع، عبرت، جماعت و معجزه است (نک: الجوهری، ۲۲۷۵/۶؛ ابن‌فارس، ۱۶۸/۱؛ الفیروزآبادی، ۳۲۲/۴؛ الطّریحی، ۳۹/۱؛ قرشی، ۱۴۶/۱؛ پارچه‌باف دولتی و قندالی، ۱۱۳). اغلب اهل لغت معنی اصلی «آیه» را «علامت و نشانه» دانسته‌اند (محمدپور، ۵۵). گفته می‌شود آیه آن چیزی است که در حرکت به سوی مقصود مورد توجه بوده و وسیله‌ای در جهت رسیدن به هدف می‌باشد و همیشه ذوالآیة و بی‌بردن به آن اصل و خود آیه فرع است و موضوعیتی ندارد (نک: مصطفوی، ۲۰۳/۱؛ محمدپور، ۵۶ و ۵۷).

گفته می‌شود استعمال «آیه» در قرآن اغلب در مورد امور عجیبی است که نشانه بودن آن واضح و آشکار و در بیشتر موارد هم مربوط به حضرت حق تعالی و یا امور مقدس است، مثل معجزات، آیات قرآنی، امور تکوینی و... که به نظر می‌رسد معنی «علامت واضح و آشکار» برای واژه آیه مناسب‌تر باشد (نک: محمدپور، ۵۷).

در مورد دو آیه‌ی ۱۶۴ سوره‌ی بقره و ۵ سوره‌ی جاثیه که مواردی را به عنوان «آیه»

۱. برای اطلاعات بیشتر در مورد «معنای مفهومی» و «معنای مصدقی» (نک: طیب حسینی ۱۳۹۲، ۱۵).

برشمرده، می‌توان گفت که این موارد، حاوی نشانه و علامتی واضح برای دست‌یابی به یک مقصود هستند اما این‌که مشخصاً چه وجهی از امور ذکر شده این وظیفه را بر عهده دارد (و باید آیه قلمداد شود)، با توجه به معنای واژه «آیه» چندان روشن و صریح نمی‌نماید و شواهد دیگری نیز نیازمند است؛ به علاوه واژه «آیات» بصورت نکره بکار رفته و این مطلب، دلیل دیگری بر عدم صراحة وجه آیه بودن خواهد بود.

۲-۳. بررسی ساختار نحوی عبارت «تصریف الرّیاح»

«تصریف» مصدری است که به یک اسم اضافه شده و در زبان عربی مصدر می‌تواند به فاعل یا مفعول خود اضافه شود (نک: برکات، ۲۸/۲؛ السیرافی، ۴۶/۲). به نظر می‌رسد در حالتی که قابلیت هر دو صورت اضافه وجود داشته باشد، توجه در مراد و مضمون کلام، تعیین‌کننده‌ی نوع اضافه خواهد بود؛ در تعابیری مانند «قراءة الدرس» و «قراءة محمد» با توجه به معنای دو واژه می‌توان دریافت که در اوّلی، مصدر به مفعول خود اضافه شده است و در دوّمی به فاعلش (برکات، ۲۸/۲). اما در «تصریف الرّیاح» با توجه به وجود ادله و شواهدی برای هر دو صورت، تعیین مراد کلام آسان نیست. تحلیل عبارت «تصریف الرّیاح» با توجه به ساختار دستوری (نحوی) آن به سه شکل قابل ارائه است:

۲-۳-۱. اضافه‌ی مصدر به فاعل

برخی معتقدند در عبارت «تصریف الرّیاح» مصدر به فاعل خود اضافه شده و مفعول آن در تقدیر است. علت انتخاب این نظر می‌تواند مهم و پرنگ دانستن پدیده‌هایی باشد که باد در وقوع و رخداد آن‌ها اثر داشته است؛ به این معنا که ایشان در مورد آیه بودن باد، صرفاً به نقش باد در رشد گیاهان، حرکت ابرها، پراکندن روزی موجودات، حرکت کشتی‌ها و وقوع عذاب و رحمت و ... توجه کرده‌اند (نک: حسن بن علی(ع)، ۵۷۶؛ الطبری، ۳۹/۲ و ۸۴/۲۵ و ۸۵؛ ابن ابی حاتم، ۲۷۵/۱؛ الطبرانی، ۲۷۷/۱؛ الشعلبی، ۳۳/۲؛ الماوردي،

۲۶۱/۵؛ الطبرسی، ۱/۴۵۰ و ۹/۱۰۹؛ ابن عطیة، ۵/۸۰؛ القرطبی، ۲/۱۹۷؛ ابوحیان، ۲/۸۱؛ السیوطی، الدرالمثور، ۱/۱۶۴؛ الصادقی، ۲/۴۴۲؛ الخطیب، ۱۳/۲۲۲).

ادله‌ی این دیدگاه می‌تواند آیات و روایاتی باشد که در آن‌ها به ویژگی‌هایی اشاره شده که فاعلیت باد را می‌رساند. چنان‌که می‌بینیم در آیات «وَ هُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الْرِّياحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيِ رَحْمَتِهِ ...»^۱ (الاعراف، ۵۷)؛ «وَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الْرِّياحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيِ رَحْمَتِهِ ...»^۲ (الفرقان، ۴۸)؛ «... وَ مَنْ يُرْسِلُ الْرِّياحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيِ رَحْمَتِهِ ...»^۳ (النمل، ۶۳)؛ «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِحْاً صَرْصَرًا عَلَيْهِمْ رِحْاً صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحِسَاتٍ ...»^۴ (فصلت، ۱۶)؛ «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِحْاً صَرْصَرًا ...»^۵ (القمر، ۱۹)؛ «... فَأَهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةً»^۶ (الحاقة، ۶) به مبشر بودن و منذر بودن باد اشاره شده است.

هم‌چنین در آیات «اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الْرِّياحَ فَتَشِيرُ سَحَابَةً فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ...»^۷ (الروم، ۴۸)، «وَ هُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الْرِّياحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيِ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا أَقْلَتْ سَحَابًا ثَقَالًا سُقْنَاهُ لِيَلَدِ مَيَّتٍ ...»^۸ (الاعراف، ۵۷) و «وَ أَرْسَلْنَا الْرِّياحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَا كُمُّهُ...»^۹ (الحجر، ۲۲) به نقش باد در رابطه با ابرها و خاصیت بارورکنندگی بادها اشاره شده است.

از امام باقر (ع) نقل شده «بادها انواعی دارند، بادهایی که ابرها را بر می‌انگیزانند،

-
۱. «و اوست که بادها را پیشاپیش [باران] رحمتش به عنوان مزده دهنده می‌فرستد ...».
 ۲. «و اوست که بادها را پیشاپیش [باران] رحمتش به عنوان مزده دهنده باران فرستاد ...».
 ۳. «[...] و کیست که پیشاپیش [باران] رحمتش بادها را مزده رسان می‌فرستد؟ ...».
 ۴. «سرانجام تدبادی سخت و سرد در روزهایی شوم بر آنان فرستادیم ...».
 ۵. «ما بر آنان... تدبادی سخت و بسیار سرد [به عنوان عذاب] فرستادیم».
 ۶. «... با تدبادی بسیار سرد و طغیان گر ناید شدند».
 ۷. «خداست که بادها را می‌فرستند تا ابری را بر می‌انگیزد، پس آن را در آسمان آن گونه که بخواهد می‌گستراند...».
 ۸. «و اوست که بادها را پیشاپیش [باران] رحمتش به عنوان مزده دهنده می‌فرستند تا هنگامی که ابرهای سنگین بار را بردارند، آن را به سوی سرزمینی مرده می‌رانیم، ...».
 ۹. «و بادها را باردارکننده فرستادیم، و از آسمان آبی نازل کردیم و شما را با آن سیراب ساختیم ...».

بادهایی که ابرها را در بین زمین و آسمان نگه می‌دارند و بادهایی که ابرها را می‌فشارند» (رستمی، ۲۳۳؛ نیز نک: البحرانی، ۲۵/۵؛ المجلسی، ۷/۵۷). کامل بن علاء نقل می‌کند «با امام باقر علیه السلام در عُریض بودم که باد سختی وزیدن گرفت. ایشان، شروع به تکبیر گفتن کرد. سپس فرمود: تکبیر، باد را دفع می‌کند» (ابن بابویه القمی، ۵۴۴/۱؛ الفیض الکاشانی، ۴۹۷/۲۶؛ الحرّالعاملی، ۵۰۷/۷؛ المجلسی، ۵۷/۶). امام صادق(ع) می‌فرمایند: «اگر چند روز بادها محبوس شوند [و نورزنند] همه چیز متعفن و فاسد خواهد شد» (المجلسی، ۱۵/۵۷؛ رستمی، ۲۳۳).

در سخنی از امام صادق(ع) به مفضل نقل شده: «آیا نمی‌نگری که هنگام خوابیدن و رکود باد چگونه مصیبت به پا می‌شود و جان‌ها در معرض هلاکت می‌افکند. سالمان را بیدار و زار و بیماران را هلاک و ناکار و میوه‌ها را فاسد و نابود و دانه‌ها و سیزی‌ها را آلوده و بی‌سود می‌گرداند، «وبا» را به دنبال دارد و غلّات را نابود می‌سازد. پس وزش بادها از تدایر خداوند حکیم است که به صلاح جهان و جهانیان در جریان می‌افتد... باد درختان را آبستن می‌کند و کشتی را به حرکت می‌اندازد و ...» (المجلسی، ۶/۵۷ و ۷؛ رستمی، ۲۳۳ و ۲۳۴).

۲-۳-۳. اضافه‌ی مصدر به مفعول

می‌توان عبارت «تصریف الْرِّیاح» را اضافه‌ی مصدر به مفعولش در نظر گرفت. طبری می‌نویسد «و فی تصریفه الْرِّیاح، فأسقط ذکر الفاعل و أضاف الفعل إلی المفعول، كما قال: يعجبني إکرام أخیک، برید إکرامک أخاک» (الطبری، ۳۹/۲؛ نیز نک: الشہرستانی، ۶۹۹/۲). در التفسیرالکبیر نیز آمده «قال الواحدی: وَ تَصْرِيفِ الْرِّیاحِ أَرَادَ وَ تَصْرِيفَهُ الْرِّیاحَ فَأَضَافَ الْمَصْدَرَ إِلَى الْمَفْعُولِ وَ هُوَ كَثِيرٌ» (الفخرالرازی، ۱۷۲/۴؛ نیز نک: العکبری، ۴۴). در این صورت اشاره‌ی این ترکیب به تغییر و تحولاتی است که بر روی باد رخ می‌دهد (الازھری، ۱۱۴/۱۲؛ الطّریحی، ۷۹/۵)، مانند:

۱- اختلاف جهت وزش باد

۲- اختلاف دما و حرارت باد

ادله این دیدگاه می‌تواند روایات و اقوالی باشد که در آن‌ها انواع باد از حیث جهات مختلف یا دما و حرارت متفاوت مطرح شده است. ابوصیر می‌گوید: «بادهای چهارگانه: شمال و جنوب و غربی و شرقی را از امام باقر پرسیدم و عرض کردم که مردم می‌گویند نسیم شمال از بهشت است و باد جنوب از دوزخ، فرمود: خدای را عزوجل لشکرهایی است از بادها و هر کس از گنه کاران را که بخواهد با آن بادها شکنجه می‌دهد و برای هر یک از آن بادها فرشته‌ای گماشته شده است که چون خداوند بخواهد گروهی را به طوری عذاب کند به فرشته‌ای که بر آن طور از عذاب که می‌خواهد عذابشان کند گماشته شده است وحی می‌کند امام فرمود: فرشته بر آن باد دستور می‌دهد پس آن باد همچون شیری خشنناک می‌جنبد و هر بادی نامی دارد مگر گفتار خدای عزوجل را نشنیده‌ای که می‌فرماید: قوم عاد تکذیب کردند پس عذاب من و ترسانندگان چگونه بودند؟ و بادهایی را درباره عذاب یاد کرد سپس فرمود باد شمال و باد صبا و باد جنوب و باد غربی به فرشتگانی که بر آن‌ها گماشته شده‌اند منسوبند» (الکلینی، ۲۲۵/۱۵ و ۲۲۶/۱۵؛ الفیض الکاشانی، ۴۹۳/۲۶ و ۴۹۴/۲۶؛ البحرانی، ۵/۲۵؛ نیز نک: مجلسی، ۱۲/۵۷ و ۱۳).

همچنین مفسّرین می‌نویسند «قال ابو زید: قال القيسيون: الرياح أربع: الشمال، والجنوب، والصبا، والدبور. فأما الشمال عن يمين القبلة والجنوب عن شمالها والصبا والدبور متقابلان، فالصبا من قبل المشرق والدبور من قبل المغرب وإذا جاءت الرياح بين الصبا، والشمال، فهى النكبة التي لا يختلف فيها. و التي بين الجنوب والصبا، فهى الجريباء، و روى ابن الأعرابي عن الأصمسي، وغيره: ان الرياح اربع: الجنوب، والشمال، والصبا، والدبور.» (الطوسي، ۶۰/۲)؛ «الرياح أربع الشمال والجنوب والصبا والدبور فالشمال عن يمين القبلة والجنوب عن يسارها والصبا والدبور متقابلان فالصبا من قبل المشرق والدبور من قبل المغرب» (الطبرسي، ۴۴۹/۱)؛ «المسألة الرابعة: قالوا: الرياح أربع، الشمال والجنوب والصبا والدبور، فالشمال من نقطة الشمال، والجنوب من نقطة الجنوب، والصبا مشرقية، والدبور مغاربية و تسمى الصبا قبولا لأنها استقبلت الدبور و ما بين كل واحد من هذه المهاب

فهی نکباء» (الفخر الرازی، ۱۷۲/۴)؛ «فَأَمَّا الْرِّیَاحُ الْأَرْبَعُ: الشَّمَالُ، وَالْجَنُوبُ، وَالصَّبَّا، وَالدُّبُورُ» (البحرانی، ۲۶/۵).

۳-۲-۳. اضافه مصدر به فاعل / مفعول

در این دیدگاه هر دو وجه محتمل شمرده شده و طبق هر یک معنایی متناسب ارائه شده است؛ به عبارتی، انصرافی به یکی از دو صورت اضافه مصدر، انجام نگرفته است. در این باره می‌نویسند «یجوز آن یکون مضافاً للفاعل، و المفعول محذوف تقدیره؛ و تصریف الْرِّیَاح السَّحَاب فَإِنَّهَا تَسْوِقُ السَّحَابَ، وَأَنْ يَكُونَ ماضِاً للمفعول، وَالفاعل محذوف أَيْ؛ و تصریف اللَّهُ الْرِّیَاح» (السمین، ۴۲۴/۱)؛ و الْرِّیَاح فی موضع رفع، فیکون تصریف مصدرًا مضافاً للفاعل، أَيْ و تصریف الْرِّیَاح، السَّحَاب أو غیره مما لها فیه تأثیر بِإِذْنِ اللَّهِ. و يحتمل أن یکون فی موضع نصب، فیکون المصدر فی المعنی مضافاً إِلَى الفاعل، و فی اللفظ مضافاً إِلَى المفعول، أَيْ و تصریف اللَّهُ الْرِّیَاح». (ابو حیان، ۸۲/۲)؛ «تَصْرِيفِ مُصْدِرِ صِرْفِ ماضِ الْمفعولِ وَالفاعلِ هُوَ اللَّهُ، أَيْ؛ و تصریف اللَّهُ الْرِّیَاح. أو ماضِ للفاعل و المفعول السَّحَاب، أَيْ؛ و تصریف الْرِّیَاح السَّحَاب» (طنطاوی، ۳۳۴/۱)؛ «وَ تَصْرِيفِ الْرِّیَاحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ - تصریف الْرِّیَاح، شاید اضافه مصدر به مفعول و فاعل آن الله باشد؛ و به هرسو گرداندن خداوند بادها را. و شاید که اضافه به فاعل و مفعول آن مقدر باشد؛ و گرداندن بادها - ابرها، هوها، آبها، گیاهها و هرچه بادها در آن تصرف نماید» (طالقانی، ۳۳/۲).

ادله‌ی این دیدگاه طبیعتاً می‌تواند همه‌ی شواهد ذکر شده در دو مورد قبلی باشد. به نظر می‌رسد کسانی که در این دسته جای گرفته‌اند، نسبت به دیگران توجّه بیشتری به غرض ذکر این موارد داشته‌اند، چرا که در انتهای هر دو آیه، موارد ذکر شده از جمله‌ی «آیات» برشمرده شده و ترجیح این که کدام ویژگی‌ها آیه نیست، مشکل است. شاید به همین علت کسانی هر دو دسته‌ی ویژگی‌ها را مناسب دانسته و صورت اخیر را انتخاب کرده‌اند.

۳-۳. بررسی وجه آیه‌بودن «تصریف الْرِّیاح»

با وجود آن که همه مفسرین به صراحت وجه آیه‌بودن را بیان نکرده‌اند اما می‌توان با توجه به مجموع سخن آنان، نتیجه گرفت وجه آیه‌بودن «تصریف الْرِّیاح» را به واسطه توجه در سه عنوان «منشأ بادها»، «نتایج وزش بادها» و «ماهیت و ویژگی‌های ذاتی بادها» بیان کرده‌اند. برخی از این موارد به صورت زیر است:

- (۱) باد، یکی از سپاهیان الهی است که در عذاب و رحمت به کار می‌رود و دارای ملکی موکل است (نک: السیوطی، الدرالمنثور، ۱۶۴/۱ و ۱۶۵؛ البحرانی، ۲۵/۵ و ۲۶)؛
- (۲) وزش و سکون بادها طبق مشیت الهی و درون نظام حکیم خلقت رخ می‌دهد (نک: ابن عاشور، ۸۳/۲ - ۸۵؛ الزحیلی، ۶۲/۲)؛
- (۳) عدم اطلاع غیر خدا در سبب و علت تغییر و تحولات بادها (نک: الماوردي، ۲۱۷/۱ و ۲۱۸)؛
- (۴) تغییر و تحولات بادها در عین رفع نیازهای موجودات و عدم بی‌نظمی (نک: الماوردي، ۲۱۷/۱ و ۲۱۸؛ ابوالفتوح رازی، ۲۷۳/۲ و ۲۷۴؛ رشیدرضا، ۶۲/۲ و ۶۳؛ مغنيه، التفسير المبين، ۳۱؛ الطباطبائی، ۴۰۴/۱؛ مکارم شیرازی، ۵۶۱/۱ و ۵۶۲؛ فضل الله، ۱۴۶/۳ و ۳۰۴/۲۰)؛
- (۵) عدم قدرت دیگران در تغییر و تحولات بادها (نک: الطوسي، ۵۵/۲؛ الفخر الرازی، ۱۷۲/۴)؛
- (۶) همانند آیه بودن اختلاف فصول، اختلاف بادها نیز آیه به شمار می‌رود (نک: القرطبي، ۱۹۹/۲ و ۲۰۰)؛
- (۷) اشاره‌ی «تصریف الْرِّیاح» به جریان بادها و نمونه‌ای از اعجاز علمی است (نک: بازرگان، ۳۳۶/۷؛ براتی و قطب شریف، ۱۷۴ و ۱۷۵).

مهم‌ترین شواهد دلالت «تصریف الْرِّیاح» بر اعجازی علمی، معنای «گردانیدن» در ریشه‌ی «صرف»، معنای «تکرار» در باب «تفعیل» و وضعیت جریان بادها می‌باشد (نک: بازرگان، ۳۳۶/۷؛ براتی و قطب شریف، ۱۵۶، ۱۶۳ و ۱۶۷ - ۱۶۴). مدافعان این دیدگاه، «تصریف الْرِّیاح» را ناظر به «جریان مداری و تحول‌های تناوبی بادها» یا «الگوی سیستمی بادها» ذکر کرده‌اند (نک: بازرگان، ۳۳۶/۷؛ براتی و قطب شریف، ۱۷۴ - ۱۷۶).

۴-۳. نگاهی به سیر شناخت بشر از ویژگی‌های باد

ماهیّت و انواع باد در نگاه بشر، همواره صورت یکسانی نداشته و در طول تاریخ، هر چه به پیش می‌رویم، محدوده‌ی بیشتری از انواع این پدیده نمایان شده است. به این خاطر در صورتی که مخاطب قرآن را محدود به عصر نزول کنیم، مجاز خواهیم بود از برخی انواع و صورت‌های باد که در قرون بعدی شناخته شده چشم‌پوشی کنیم و تنها چند صورت محدود (شناخته شده در عصر نزول) را مراد و محل نظر آیه پندرایم. اما اگر توجه‌مان به مخاطب امروز باشد و قائل به قرینه بودن یافته‌های مسلم بشری در تفسیر آیات قرآن باشیم، نیازمند آن هستیم که پی‌جوبی کنیم امروزه «تصریف الْرَّیاح» چه مواردی را دربرمی‌گیرد.

با توجه به دوره‌های زمانی و ویژگی‌های هر یک، می‌توان به سه دوره‌ی کلی اشاره کرد: (۱) دیدگاه اوّلیه تا قبل از اسلام، (۲) دیدگاه عصر نزول و (۳) دیدگاه عصر حاضر. در ادامه به بررسی بیش‌تر این سه دوره می‌پردازیم:

۱-۴. دیدگاه اوّلیه تا قبل از اسلام

با وجود فقدان امکانات سنجش و ارزیابی، نیازهای متعددی باعث می‌شد که برخی ویژگی‌های آب‌وهوایی شناخته شود. به عنوان نمونه، چهار نوع باد رایج بود که هر یک شرایط آب‌وهوایی مشخصی را بهمراه داشته است و این ویژگی‌ها، تنها معیار جهتیابی برای مردم آن روزگار بود (نک: نظری، ۴). مثلاً:

الف) بوریاس^۱ باد شمالی که پرقدرت، خنک و همراه با آسمان‌های صاف بود؛

ب) اروس^۲، باد شرقی که گرم و ملایم بود؛

ج) نوتوس^۳، باد جنوبی که قبل از خیزش طوفان‌ها می‌وزید؛

د) زفیروس^۴، باد غربی که مرطوب و معطر بود (نک: نظری، ۴).

1. Boreas

2. Eurus

3. Notus

4. Zephyrus

ویژگی مهم دیگری که از این دوره‌ی زمانی قابل اشاره است، نقشه‌ای از جهان است که گفته می‌شود بطلمیوس، آن را براساس تفکر مردم اسکندریه در سال ۱۲۰ میلادی، ارائه کرده است. همان‌گونه که در تصویر این نقشه دیده می‌شود، موجوداتی در اطراف زمین در حال دمیدن هستند که نتیجه‌ی آن ایجاد باد در زمین است (هارت - دیویس، ۶۲/۱). این تصویر، دلیلی بر رواج دیدگاه «مستقیم» (یا افقی) بودن وزش بادها» می‌باشد (نک: براتی و قطب‌شریف، ۱۶۶).



نقشه‌ی بطلمیوس (نک: هارت - دیویس، ۶۲/۱)

۴-۳. دیدگاه عصر نزول

شناخت این دوره می‌تواند با بررسی توصیفات باد در متون دینی و گزارش‌های مختلف از فرهنگ و شرایط قرون اولیه اسلامی، به‌دست آید.

یکی از تعابیر کلیدی که در مورد بادها در روایات دیده می‌شود، عبارت «الرياح الأربع» (بادهای چهارگانه) است که اشاره دارد به دیدگاه رایج مردم، مبنی بر این‌که بادها چهار دسته‌اند (نک: ابن قتبیه، ۱۵۸؛ دانشنامه جهان اسلامی، ۱۳۸/۱). به عنوان نمونه ابو بصیر از

امام باقر(ع) در مورد ویژگی‌های این چهار نوع باد می‌پرسد و حضرت(ع) به ویژگی‌ها و خصوصیات آن‌ها می‌پردازند؛ نقل شده «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الْرِّياحِ الْأَرْبَعِ الشَّمَالِ وَالْجَنُوبِ وَالدَّبَورِ وَالصَّبَّا...» (المجلسی، ۱۴۸/۸۸). هم‌چنین گفته‌اند «... اعلم أنَّ للرِّياح أقساماً أربعة: أحدها: الصَّبَّا... وثانيها: الدَّبَور... وثالثها: الشَّمَال... ورابعها: الجنوب...» (النهاوندی، ۳۷۹/۱)؛ «الرِّياح أربعة: صَبَّا، وَ دَبَور، وَ جَنُوب، وَ شَمَال» (ابن عجيبة، ۸۲/۳).

هم‌چنین از عبدالله‌بن‌عمر نقل شده که بادها هشت نوع هستند و چهار مورد آن مایه‌ی عذاب و چهار مورد مایه‌ی رحمت می‌باشند؛ «قال عبد الله بن عمر: الرياح ثمانية، أربعة منها رحمة و أربعة منها عذاب...» (الماوردي، ۳۱۹/۴؛ ابن كثير، ۲۹۰/۶). و نیز گفته‌اند «... و قيل الرياح ثمانية: أربعة للرحمة... و أربعة للعذاب...» (الخطيب الشريینی، ۱۲۶/۱).

آن‌چه به نظر می‌رسد آن است که در این دوره، تقسیم‌بندی مشابهی نسبت به دوره‌های گذشته وجود دارد؛ هرچند که عناوین متفاوتی ذکر می‌شود اماً معيار دسته‌بندی واحد است و تغییری نکرد. وحدت معيار نشان‌گر این نکته است که محدوده‌ی علم مردم نسبت به باد، هنور در مقیاسی محلی بوده و به اطلاعات منسجم و بیشتری از بادها نرسیده بودند.

نکته‌ی دیگر آن است که می‌بینیم این چهار یا هشت نوع باد، در میان مردم مرسوم و روشن بوده و از این‌رو، مفسران و اهل لغت ذیل انواع باد به این موارد اشاره کرده‌اند (نک: بخاری، ۲۴۴/۲؛ الطبرانی، ۲۷۷/۱؛ الطوسي، ۶۱/۲؛ الطبرسی، ۴۴۹/۱؛ ابوالفتوح رازی، ۲۷۲/۲؛ الزمخشري، ۴۸۴/۳). به عبارتی دیگر کسانی که تعداد هشت نوع باد را پذیرفته‌اند، هشت نوع قرآنی را ذکر کرده‌اند و کسانی که تعداد چهار نوع باد را پذیرفته‌اند، ذیل انواع باد، اشاره به چهار دسته‌ی مزبور کرده‌اند (نک: الطبرسی، ۴۴۹/۱ و ۴۵۰؛ المبیدی، ۴۳۸/۱؛ الفراء البغوي، ۱۹۶/۱؛ الفخر الرازي، ۱۷۲/۴ و ۱۷۳؛ القرطبي، ۱۹۹/۲؛ الفيومي، ۲۴۴؛ الطريحي، ۳۶۲/۲؛ النهاوندی، ۳۷۹/۱). صادقی می‌نویسد «فهناك أرباح خبيثة يعبر عنها بصيغة الإفراد «رِيحٌ فِيهَا صَرٌ» (۳: ۱۲۷) «رِيحٌ عَاصِفٌ» (۱۰: ۲۲) «رِيحٌ قَاصِفٌ» (۱۷: ۶۹) «الرِّيحُ الْعَقِيمُ» (۴۲: ۵۱) «بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ» (۶: ۶۹) «رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًا» (۳۰: ۵۱) اللَّهُم إِلَّا «بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ» (۱۰: ۲۴) لو لا وصفها لكان خبيثة، فهذه ستة. ثم

ریاح بصیغه الجمع کلها طيبة کما هنا «وَ تَصْرِيفُ الرِّيَاحِ» و «هُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا يَنْ يَدَى رَحْمَتِهِ» (۵۷:۷) «وَ أَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ لَوَاقِحَ» (۱۵:۲۲) «اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ فَتَشِيرُ سَحَابَةً» (۳۵:۹) «وَ هَذِهِ أَرْبَعَةٌ» (الصادقی، ۲۶۲/۲ و ۲۶۳). ابن عطیه نیز می‌گوید «قال الرمانی جمعت ریاح الرحمة لأنها ثلاثة لواحق الجنوب والصبا والشمال وأفردت ریح العذاب لأنها واحدة لا تلحق و هي الدبور» (ابن عطیه، ۲۱۳/۴).

۴-۳. دیدگاه علوم امروزی

با توجه به پیشرفت وسائل اندازه‌گیری و وسعت اطلاعات از باد و سایر پدیده‌های جوی، انواع و دسته‌بندی‌های مختلفی قابل ارائه است که به چند نمونه اشاره می‌شود. شروع دریانوردی در میان مسلمانان، زمینه‌ی آشنایی بیشتر آنان با دریا، باد و سایر پدیده‌های طبیعی، در دوره‌های را بعدی فراهم کرد (نک: فرهانلو، ۴ و ۶). «ابن ماجد» (م ۹۳۶ق.) در کتاب «ثلاث ازهار في معرفة البحار» محل وزش بادها را با دقیق فراوان از هم جدا کرده و آن‌ها را با درجات «شدت وزش» و جهت وزش آن‌ها در جدولی روشن کرده است (نک: فرهانلو، ۱۲۸ و ۱۲۹) که به صورت ذیل است:



اختلاف جهت بادها (قره‌چانلو، ۱۲۹)

«بیفور» (۱۸۰۵ م)، جدول مخصوصی را که تا به امروز هنوز مورد استفاده و به نام اندازه‌گیری بیفور معروف، نوشته است، وزش بادها در این جدول به دوازده درجه تقسیم شده، برای هر درجه سرعت مخصوصی است (قره‌چانلو، ۱۳۰ و ۱۳۱). این جدول به صورت ذیل است:

نام بادها و سرعت هر یک (قره‌چانلو، ۱۳۱)

سرعت بادها به کیلومتر در ساعت	نام بادها در زبان عرب
کمتر از یک کیلومتر	۱- هوای ساکن
۱-۳ کیلومتر	۲- هوای خفیف
۴-۷ کیلومتر	۳- نسیم خفیف
۸-۱۲ کیلومتر	۴- نسیم هادی
۱۳-۱۸ کیلومتر	۵- نسیم معتدل
۱۹-۲۴ کیلومتر	۶- نسیم علیل
۲۵-۳۱ کیلومتر	۷- نسیم قوی
۳۲-۳۸ کیلومتر باد بلند	۸- ریح عال
۳۹-۴۴ کیلومتر بادی که خانه‌ها را از ریشه برکند	۹- هوجاء
۴۵-۵۴ کیلومتر باد قوی	۱۰- هوجاء قویة
۵۵-۶۳ کیلومتر باد قوی همانند طوفان	۱۱- هوجاء عاصف
۶۴-۷۵ کیلومتر طوفان - باد تند	۱۲- عاصفه
	۱۳- اعصار

همچنین دسته‌بندی دیگری نیز قابل اشاره است (نک : Encyclopedia Americana (نک : ۲۹/۲۹-۳۲)، مانند تقسیم‌بندی بادها از نظر گستره‌ی جغرافیایی: محلی (تفییرات روزانه)، منطقه‌ای (تفییرات دراز مدت فشار)، سیاره‌ای (حاصل گردش عمومی جوّ) (نک : ۳/۲۹-۱۰)، A Dictionary Of Science, Literature, & Art).

با توجه به موارد فوق، می‌توان ادعا کرد که مخاطب امروز، انواع و دسته‌های به مراتب بیشتری از بادها را در ذهن دارد و پیش‌فرض او از محدوده‌ی تغییرات بادها، دایرره بزرگتری را نسبت به گذشته، دربرمی‌گیرد. برخی از دسته‌بندی‌ها نیازمند پیشرفت علوم و استفاده از وسائل جدیدتر بوده است که طبیعتاً در دوره‌های قبلی شناخته شده نبود اما با

ساخت وسایل محاسبه و اندازه‌گیری، تغییر متغیرهای مختلف ممکن شد و این وسایل با ارائه‌ی اندازه‌گیری‌های دقیق، میدان آگاهی بشر را وسعت بخشیدند.

نتایج مقاله

- ۱- واژه‌ی «تصریف» می‌تواند به وقوع مکرر دلالت کند و تکرار و بازگشت‌پذیری، شرط معنای این واژه نیست؛
- ۲- واژه‌ی «آیه» به امور عادی و طبیعی قابلیت اطلاق دارد و محدود کردن «آیات» به امور اعجازی صحیح نمی‌باشد؛
- ۳- تخصیص دلالت عبارت «تصریف الْرِّیاح» به جریان‌های هوایی مشخص، شواهد قابل قبولی ندارد.
- ۴- امروزه در میان انواع مختلف باد، دسته‌ی خاصی منحصرًا محل اشاره‌ی عبارت «تصریف الْرِّیاح» نمی‌باشد و همه‌ی انواع باد، استعداد «آیه» بودن دارند؛ چرا که هر یک از انواع باد به گونه‌ای به ذات و صفات الهی دلالت می‌کنند.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم مستنداً عن الرسول (ص) و الصحابة و التابعين، تحقيق اسعد محمد الطیب، مکة المکرمة – الرياض، مکتبة نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق.
۳. ابن الأثیر، میارک بن محمد، النهاية: فی غریب الحديث والأثر، تحقيق/ تصحیح محمد محمد طناحی و طاهر احمد زاوی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ق.
۴. ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقيق عبدالرازاق المهدی، لبنان – بیروت، دارالکتاب العربي، ۱۴۲۲ق.
۵. ابن بابویه القمی (الصدقوق)، محمدبن علی، من لا يحضره الفقيه، تحقيق و تعليق على اکبر الغفاری، قم، مؤسسه التشریف الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
۶. ابن درید، محمدبن حسن، کتاب جمھرة اللّغة، حقّقه و قدّم له رمزی منیر بعلبکی، بیروت، دارالعلم للملائین، ۱۹۸۸ق.
۷. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحیط الأعظم، تحقيق عبدالحمید هنداوي، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ق.
۸. ابن عاشور، محمد طاهر، التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، لبنان – بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۹. ابن عجیبة، احمد، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، تحقيق احمد عبدالله قرشی رسلان، مصر – قاهره، حسن عباس زکی، ۱۴۱۹ق.
۱۰. ابن عطیة الأندلسی، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، تحقيق عبدالسلام عبدالشافی محمد، لبنان – بیروت، دار الكتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
۱۱. ابن فارس، احمد، معجم المقايس اللّغة، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، قم، مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۱۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، وضع حواشیه و علّق علیه محمدحسین شمس الدین، لبنان – بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۱۳. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، کتاب الأنواء فی مواسم العرب، حیدرآباد – هند، بورو، ۱۹۷۸م.
۱۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، به کوشش و تصحیح محمد جعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۱۵. ابوحنیان الأندلسی، محمدبن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، تحقيق صدقی محمد جمیل، لبنان – بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۱۶. الأزهری، محمدبن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۲۱ق.
۱۷. الألویسی البغدادی، سید محمودبن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ضبطه و صحّحه علی عبدالباری عطیة، لبنان – بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.

۱۸. بازرگان، مهدی، مجموعه آثار ۷؛ مباحث علمی، اسلامی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۵ ش.
۱۹. البحاری، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقيق قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم، موسسه بعثه، ۱۳۷۴ ش.
۲۰. بخاری، محمدبن اسماعیل، صحیح البخاری، تحقیق مصر - وزارت الأوقاف - المجلس الأعلى للشئون الإسلامية - لجنة إحياء كتب السنة، مصر - قاهره، جمهورية مصر العربية - وزارة الأوقاف - المجلس الأعلى للشئون الإسلامية - لجنة إحياء كتب السنة، ۱۴۱۰ ق.
۲۱. براتی، غلامرضا و سیدشهاب الدین قطب شریف، «اعجاز علمی عبارت «تصrif الرياح» در قرآن کریم»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، شماره ۲، صص ۱۵۵-۱۸۰، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴ ش.
۲۲. برکات، إبراهيم إبراهيم، النحو العربي، مصر - قاهره، دارالنشر للجامعات، بي.تا.
۲۳. البيضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزيل وأسرار التأویل المعروفة بتفسیر البيضاوی، إعداد و تقديم محمد عبدالرحمن المرعشلي، لبنان - بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۱۸ ق.
۲۴. پارچه‌باف دولتی، کریم و فاطمه قندالی، «کاربرد واژه «آیه» در روایات شیعه با عنایت به صحیحه هشام بن سالم»، علوم حدیث، شماره ۷۴، صص ۹۹-۱۱۵، قم، دانشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۳ ش.
۲۵. الثعلبی، احمدبن محمد، الكشف و البيان المعروف تفسیر الثعلبی، دراسة و تحقيق أبي محمد بن عاشور، مراجعة و تدقیق نظیر الساعدي، لبنان - بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۲۲ ق.
۲۶. الجوھری، اسماعیل بن حماد، الصّحاح: تاج اللّغة و صِحَّاح العَرْبِيَّةِ، تحقيق أَحْمَدْ عَبْدُ الْغَفُورِ عَطَّار، بيروت، دار العلم للملائين، ۱۳۷۶ ق.
۲۷. الحرّالعاملى، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، تحقيق موسسه آل الیت(ع) لاحیاء التراث، قم، موسسه آل الیت(ع)، ۱۴۰۹ ق.
۲۸. التفسیر المنسوب الى الامام ابی محمد الحسن بن علی العسكري(ع)، تحقيق مدرسة الامام المھدی(ع)، قم، مدرسة الإمام المھدی (عج)، ۱۴۰۹ ق.
۲۹. الحویزی، عبدالعلی بن جمعة العروضی، تفسیر نورالنّقلین، تصحیح هاشم رسولی، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۳۰. الخطیب شربینی، محمدبن احمد، تفسیر الخطیب الشربینی المسمی السراج المنیر، تحقيق ابراهیم شمس الدین، لبنان - بيروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۵ ق.
۳۱. الخطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، لبنان - بيروت، دارالفکر العربي، ۱۴۲۴ ق.
۳۲. دانشنامه جهان اسلام، زیرنظر سیدمصطفی میرسلیم، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۳۳. الراغب الاصفهانی، حسینبن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقيق صفوان عدنان داودی، بيروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
۳۴. رستمی، محمدحسن، سیمای طبیعت در قرآن، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.

٣٥. رشیدرضا، السيد محمد، تفسير القرآن الحكيم المشهور باسم تفسير المنار، لبنان - بيروت، دارالمعرفة، ١٤١٤ ق.
٣٦. روحانی، محمود، المُعجم الاصحائی لأنفاظ القرآن الكريم، مشهد، مؤسسة طبع و نشر الآستانة الرضویة المقدسة، ١٣٦٦ ش. - ١٤٠٧ ق. - ١٩٨٧ م.
٣٧. الزبيدي، مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق/تصحيح على شیری، بيروت، دارالفکر، ١٤١٤ ق.
٣٨. الزخلیلی، وهبة، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشريعة و المنهج، سوریه - دمشق، دارالفکر، ١٤١١ ق.
٣٩. الزمخشري، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقوال في وجوه التأويل، لبنان - بيروت، دارالكتاب العربي، ١٤٠٧ ق.
٤٠. السمين، احمد بن يوسف، الدر المصنون في علوم الكتاب المكنون، تحقيق و تعليق جاد مخلوف جاد و زکریا عبدالمجيد النوتی، لبنان - بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٤ ق.
٤١. السیرافي، أبي سعید، شرح كتاب سبیویه، تحقیق أَحمد حسن مهذلی و علی سیدعلی، لبنان - بيروت، دارالكتب العلمية، بی تا.
٤٢. السیوطی، جلال الدين عبدالرحمن، الدّر المنشور فی التفسیر بالماثور، قم، منشورات مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی، ١٤٠٤ ق.
٤٣. همو، همع الہوامع: شرح جمع الحوامع فی النحو، اعتنی به احمد عزو عنایه، بيروت - لبنان، دار احیاء التراث العربي، بی تا.
٤٤. الشرتونی، رشید، مبادی العربية المجلد الرابع (قسم الصرف)، تتفییج و إعداد حمید المحمدی، قم، مؤسسه انتشارات دارالعلم، ١٤٣٥ ق.
٤٥. الشوکانی، محمد بن علی، فتح القدير الجامع بين فنی الروایة و الدّرایة من علم التفسیر، سوریه - دمشق، دار ابن کثیر و دارالکلم الطیب، ١٤١٤ ق.
٤٦. الشیبانی، محمد بن الحسن، نهج البیان عن کشف المعانی القرآن، قم، نشر الهادی، ١٤١٣ ق.
٤٧. الصادقی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ١٤٠٦ ق.
٤٨. الطبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح و تحقیق و تعليق السيد هاشم الرسولی المحلاتی و السيد فضل الله اليزدی الطباطبائی، تهران، ناصر خسرو، ١٣٧٢ ق.
٤٩. الطبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بيروت - لبنان، دارالمعرفة، ١٤١٢ ق.
٥٠. الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تحقیق السيد احمد الحسینی، تهران، مرتضوی، ١٣٧٢ ش.
٥١. الطوسری، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح احمد حبیب عاملی، لبنان - بيروت، دار احیاء التراث العربي، بی تا.
٥٢. العکبری، عبدالله بن حسین، التبیان فی إعراب القرآن، عربستان - ریاض، بیت الأفکار الدولیة، ١٤١٩ ق.
٥٣. الفخر الرازی، محمد بن عمر، التفسیر الكبير للأمام الفخر الرازی (مفاییح الغیب)، اعداد مکتب تحقیق داراحیاء التراث العربي، لبنان - بيروت، دار احیاء التراث العربي، ١٤٢٠ ق.

۵۴. الفراء البغوي، حسين بن مسعود، تفسير البغوي المسمى معالم التنزيل، تحقيق عبدالرازق المهدى، لبنان - بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۲۰ ق.
۵۵. الفراهيدي، خليل بن احمد، كتاب العين، تحقيق مهدى محزومى و ابراهيم السامرائي، قم، موسسه دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.
۵۶. الفيروزآبادی، محمدبن یعقوب، القاموس المحيط، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۱۵ق.
۵۷. الفيض الكاشاني، محسن، الوافى، اصفهان، مكتبة الامام امير المؤمنین(ع)، ۱۴۰۶ق.
۵۸. الفيومى، احمدبن محمد، المصباح المنير: فى غريب الشرح الكبير للرافعى، قم، موسسه دارالهجرة، ۱۴۱۴ق.
۵۹. القرطبي، محمدبن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران - ايران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۶۰. الكليني، محمدبن یعقوب، الكافي، تحقيق قسم احياء التراث مركز بحوث دارالحدیث، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
۶۱. الماوردي، محمدبن حبيب، النُّكْتَ وَ الْعَيْنُ تفسير الماوردي، راجعه و علق عليه السيد بن عبدالمقصود بن عبد الرحمن، بيروت - لبنان، دارالكتب العلمية، بي.تا.
۶۲. المجلسى، محمدباقر، بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار(ع)، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
۶۳. البیدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عدة الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری، به سعی و اهتمام على اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۶۴. النهاوندی، محمدبن عبدالرحیم، فتحات الرحمن فی تفسیر القرآن، تحقيق قسم الدراسات الاسلامية - موسسه البغة، قم، موسسه البغة، مركز الطباعة و النشر، ۱۳۸۶ ش.
۶۵. شیر، السيد عبدالله، الجوهر الشمین فی تفسیر الكتاب المبین، الكويت، مكتبة الألفین، ۱۴۰۷ق.
۶۶. الشهريستاني، محمد بن عبدالکریم، تفسیر الشهريستاني المسمى مفاتیح الأسرار و مصایب الأبرار، تهران، مركز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط، ۱۳۸۷ ش.
۶۷. طلقانی، سیدمحمد، برتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش.
۶۸. الطباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان- بيروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۶۹. الطبرانی، سليمان بن احمد، التفسیر الكبير (تفسير القرآن العظیم للإمام الطبرانی)، تحقيق هشام البدرانی، الاردن، دارالكتاب الثقافي، ۲۰۰۸ م.
۷۰. طنطاوی، محمدسید، التفسیر الوسيط للقرآن الكريم، مصر - قاهره، نهضة مصر، ۱۹۹۷ م.
۷۱. طیب حسینی، سید محمود، درآمدی بر دانش مفردات قرآن، ویراستهی سعیدرضا علی عسکری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ ش.
۷۲. فضل الله، السيدمحمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، لبنان - بيروت، دارالملأک، ۱۴۱۹ق.
۷۳. قرچانلو، حسين، «دریانوری مسلمانان در سده‌های نخستین اسلامی»، تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۳، صص ۱۶-۳، ۱۳۸۵ ش.
۷۴. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالكتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.

۷۵. القرطبي، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۶۴ ش.
۷۶. قره‌چانلو، حسین، «بحث کوتاهی درباره بادها از دیدگاه دانشمندان اسلامی»، مقالات و بررسیها، شماره ۴۹ و ۵۰، صص ۱۱۹-۱۴۰، ۱۳۶۹ ش.
۷۷. کاشانی، فتح‌الله، تفسیر کبیر منهج الصادقین، مقدمه و پاورقی و تصحیح کامل حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیّه، بی‌تا.
۷۸. محمدپور، حمیدرضا، «بررسی مفهوم آیه در قرآن کریم»، بlag میین، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۵۳-۷۰، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۶ ش.
۷۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت- قاهره - لندن، دارالکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۴۳۰ ق.
۸۰. مغنية، محمدجواد، التفسیر الکاشف، قم، دارالکتب اسلامی، ۱۴۲۴ ق.
۸۱. همو، التفسیر المبین، قم، موسسه دارالکتاب الإسلامي، ۱۴۲۵ ق.
۸۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۸۳. نظام نیشابوری (القمی النیسابوری)، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ضبطه و خرج آیاته و أحادیثه ذکریا عمیرات، لبنان - بیروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۶ ق.
۸۴. نظری، علی اصغر، تاریخ علم جغرافیا، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶ ق.
۸۵. واحدی، علی بن احمد، الوجز فی تفسیر الكتاب العزيز، تحقیق صفوان عدنان داودی، لبنان- بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۵ ق.
۸۶. هارت - دیویس، آدام، تاریخ علم، ترجمه‌ی شادی مشکوکه السادات و سارا فروغی اصل، تهران، انتشارات سیزان، ۱۳۹۵ ش.
87. Encyclopedia Americana, international edition, Danbury, Connecticut: Scholastic Library Publishing, Inc., 2006.
88. W.T. Brande & Rev. George W. Cox, A Dictionary of Science, Literature, & Art, Delhi: Komal prakashan, First Published 1866, Reprint 2000.

